

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## نظام سیاسی ارسطو

www.ketab.ir

پدیدآورنده:

منیر سادات مادرشاهی

|                      |                                                     |
|----------------------|-----------------------------------------------------|
| سرشناسه:             | سادات مادرشاهی، منیر، ۱۳۳۶ -                        |
| عنوان و نام پدیدآور: | نظام سیاسی ارسطو/ منیر سادات مادرشاهی.              |
| مشخصات نشر:          | تهران: فرهنگ صبا، ۱۴۰۰.                             |
| مشخصات ظاهری:        | ۱۵۷ ص.؛ ۵/۲۱×۵/۱۴؛ ۵/۲۱×۵/۱۴ س.م.                   |
| شابک:                | ۹-۱۰-۷۹۹۱-۶۲۲-۹۷۸                                   |
| وضعیت فهرست نویسی:   | فیبا                                                |
| یادداشت:             | کتابنامه: ص. ۱۵۵-۱۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.       |
| موضوع:               | ارسطو، ۳۸۴ - ۳۲۲ ق.م. -- دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی |
| موضوع:               | -- Political and social views Aristotle             |
| موضوع:               | علوم سیاسی -- فلسفه Political science -- Philosophy |
|                      | عدالت اجتماعی -- دیدگاه فیلسوفان                    |
|                      | Social justice -- *Views of philosophers            |
| رده‌بندی کنگره:      | JAV1                                                |
| رده‌بندی دیوبی:      | ۳۲۰/۰۱                                              |
| شماره کتابشناسی ملی: | ۸۷۳۴۶۳                                              |

## ■ نظام سیاسی ارسطو

■ نویسنده: منیر سادات مادرشاهی

■ طراح جلد: سیدوحید سادات مادرشاهی

■ ناشر: نشر فرهنگ صبا

■ چاپ و صحافی: فجر

■ شابک: ۹-۱۰-۷۹۹۱-۶۲۲-۹۷۸

■ چاپ اول: ۱۴۰۰ ■ شمارگان: ۱۰۰ نسخه ■ قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

|                                                                           |    |
|---------------------------------------------------------------------------|----|
| مقدمه .....                                                               | ۹  |
| فصل اول پیدایش نظام سیاسی .....                                           | ۱۵ |
| الف - مرحله اول: پیدایش جامعه .....                                       | ۱۷ |
| ب - مرحله دوم: میثاق جمعی برای بهروزی .....                               | ۱۸ |
| ۱- بهروزی امری جمعی است .....                                             | ۱۹ |
| ۲- نظام بهروز مرکب از شهروندان بهروز است .....                            | ۲۰ |
| ۳- بهروزی با نهادهای ساز فضايل اخلاقی ممکن می شود .....                   | ۲۳ |
| الف. فضیلت اخلاقی چیست؟ .....                                             | ۲۶ |
| ب - اراده آزاد و محاسبه عقلانی در امور، لازمه کسب فضیلت است. ....         | ۲۸ |
| ت - تعادل یا قاعده طلایی حد وسط .....                                     | ۳۱ |
| ث - آسیب شناسی خطا در تشخیص حد وسط .....                                  | ۳۴ |
| ج - تأمل نظری، شهروند را بی نیاز از فضایل اخلاقی نمی کند .....            | ۳۸ |
| ح - فضیلت عدالت، جامع فضایل اخلاقی است .....                              | ۴۳ |
| خ - خانواده نخستین واحد نظام سیاسی ارسطو است .....                        | ۴۶ |
| تأملات .....                                                              | ۵۲ |
| فصل دوم بنیان پایداری نظام سیاسی .....                                    | ۵۷ |
| ۱- سازوکار پایداری نظام سیاسی: دوستی و قواعد توزیع ارزش های اجتماعی ..... | ۶۰ |
| ۲- عدالت ضامن حفظ وضع موجود و مکمل دوستی .....                            | ۶۵ |
| ۳- پایداری نظام سیاسی: عدالت با توزیع رضایت بخش ارزش های اجتماعی ...      | ۶۸ |

- ۴- عوامل فروپاشی نظام سیاسی ..... ۷۵
- الف - توزیع نامتناسب ارزش های اجتماعی ..... ۷۵
- ب - نابسامانی مشارکت سیاسی و امنیتی ..... ۸۰
- ۵- عدالت، توزیع ارزش های اجتماعی و حفظ وضع موجود ..... ۸۵
- ۶- پایداری نظام و جامعه پذیری ..... ۹۱
- الف - تربیت شهروند خوب ..... ۹۲
- ب - تربیت انسان خوب ..... ۹۷
- تأملات ..... ۱۰۰

### فصل سوم معیار عدالت در انواع نظام سیاسی ..... ۱۰۳

- ۱- نظام های عادل آرمانی ..... ۱۰۶
- الف - پادشاهی ..... ۱۰۶
- ب - اریستوکراسی ..... ۱۱۰
- ت - پولیتی ..... ۱۱۲
- ۲- تحول اصول و موازین عدالت ..... ۱۱۸
- الف - قانون خوب ..... ۱۲۳
- ب - قانونگزاری خاص سیاستمدار عالم و باتجربه است ..... ۱۲۵
- ت - اقسام قانون ..... ۱۲۹
- ۱) قوانین طبیعی یا مطلق ..... ۱۳۰
- ۲) قوانین نسبی ..... ۱۳۵
- ۳- شهروند عادل در نظام سیاسی عادل ..... ۱۳۷
- الف - مفهوم کلی و جزئی عدالت ..... ۱۳۷
- ب - عدالت کلی همان عدالت قانونی است ..... ۱۳۸
- ت - شهروند خوب همان عادل جزئی (خاص) است ..... ۱۴۰
- ۴- مصادیق تعدیل در موازین عدالت ..... ۱۴۲
- الف - عدالت توزیعی ..... ۱۴۲

## مقدمه

نظام سیاسی یا جامعه سیاسی مورد نظر ارسطو بر پایه نوعی وحدت فکری از مفهوم سعادت و در نهایت حفظ وضعیت موجود شکل می‌گیرد. از اینرو محور تفکر و دغدغه ارسطو سازماندهی، روند جامعه‌پذیری و ابقای شهروندان در جایگاهی است که تفکر رایج آن را غایت انسان یا سعادت‌مندی می‌داند. در راستای این مهم، مفاهیمی مانند فضیلت، تعادل، همطرازی شهروندان، تناسب، تساوی، قانون، قانونگذار، تربیت و عدالت بطور اخص، به مفاهیم کلیدی در نظام سیاسی ارسطو تبدیل شده‌اند. بنابراین رمز‌گشایی از این واژه‌های مختلف و معمولاً سهل‌ممتنع برای فهم نظام سیاسی وی اهمیت اساسی دارد. بخصوص واژه عدالت که بعدها در هاله‌ای از تقدس دینی هم پوشیده شد، به عنوان رمز‌پایداری نظام سیاسی در اندیشه‌های همه فیلسوفان تا زمان ما رسوخ کرده است تا جایی که فیلسوف عدالتی مانند جان رالز همه تلاش خود را برای تبیین این مفهوم در جامعه مدرن بکار گرفت و فیلسوفان غربی دیگر هم ناچار از تبیین آن در بخشی از فلسفه سیاسی خود شدند. در فرهنگ و ادبیات فارسی نیز عدالت به عنوان رمز بقای نظام سیاسی هنوز به سرچشمه اصلی خود در فلسفه یونان باستان و به ویژه ارسطو وابسته است و علمای اسلامی هم از آن تأثیر پذیرفته‌اند. در این نوشتار نظام سیاسی ارسطو با توجه به نکاتی که در دنباله خواهد آمد تبیین می‌شود.

نکته اول در مورد اوضاع اجتماعی زمان ارسطو است که جهان‌گشایی‌های

اسکندر سبب شد دولت شهرهای یونان به تدریج به امپراطوری بزرگ پیوندند و تحرکات افقی و عمودی در جامعه باعث عدم وحدت نظام عقیدتی گردیده و حالت یکپارچگی عقیدتی سنتی جامعه از میان رفته بود. به عبارت دیگر جابجایی جغرافیایی مردم نظام سنتی باورهای متقن به جایگاه و حقوق گروه‌های اجتماعی را متزلزل کرده بود. توصیف نقدگونه ارسطو از نظام تجارت جدید و رواج عادت ثروت‌اندوزی موید این نظر است. از اینرو تلاش ارسطو را می‌توان در جهت بازسازی گذشته و سامان‌دهی به این وضعیت نا مانوس جدید ارزیابی کرد. ارسطو سعی می‌کند با تبیین و توضیح مفهوم واژه‌های معمول وضعیت تمکین و رضایت به حق معین را در جامعه اقامه و به ثبات کمک نماید. ارسطو بی‌ثباتی و انقلاب را مضر به سعادت و بهروزی شهروندان می‌داند.

نکته دوم اینکه برای شناخت واژه عدالت به عنوان هدف بهروزی یا سعادت‌مندی جامعه از تبیین مفهوم بهروزی در فرد آغاز می‌کنیم. زیرا به نظر ارسطو تغییرات و حرکت در جهان به صورتی انجام می‌گیرد که کثرت موجود را کاهش داده و تشکل و وحدت را افزایش می‌دهد. فرد در سیر تکاملی خود در خانواده و سپس در اجتماع سیاسی متشکل می‌شود. پس اجتماع سیاسی از خانواده و نهایتاً از فرد به عنوان اجزاء کوچک تشکیل شده است و روش فکری ارسطو استقرائی است یعنی شناخت را از اجزای تشکیل‌دهنده موضوع شروع می‌کند تا از جزء به کل حرکت کند. خودش می‌گوید که برای شناخت مدینه باید از فرد و خانواده شروع کرد.

نکته سوم که در ارتباط با دومین نکته نیز هست اینست که موضوع عدالت مربوط به جامعه و روابط انسان‌هاست و ارسطو انسان‌شناسی مسلط عصر خود یا افلاطونی را پایه تبیین مفهوم عدالت قرار داده است. به نظر او هر امری دارای هدف غایی یا حد خاصی است که غرض از وجود اوست و غایت خاص انسان دست‌یابی به بهروزی حقیقی است. بنابراین کلید واژه سعادت یا نمود واقعی آن

تبادل و ثبات در فرد را به عنوان پایه بحث عدالت قراردادده است و از آنجا که سعادت فرد را تنها در نظام سیاسی جستجو می‌کند، از وضعیت شهروند عادل به جامعه سیاسی عادل و تبلور آن یعنی تبادل نظام سیاسی می‌رسد.

نکته چهارم اینکه علمای یونان به معنای واقعی کلمه یکتا انگار بودند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر احکام و نظراتی که در واقع امر درباره انسان پرورش یافته جامعه یونانی بود ناظر بر احوال تمامی بشر می‌دانستند.<sup>۲</sup> از اینرو از واژه عام انسان برای توضیح وظایف و تکالیف شهروند جامعه یونانی استفاده می‌کردند. با این توضیح می‌توان دریافت که وقتی ارسطو از علم اخلاق سخن می‌گوید منظور او پایه‌ریزی دانشی است که در تربیت شهروند خوب برای جامعه ارسطو بکار بیاید و تعریف، هدف و غایت انسانی که او در جامعه یونانی می‌شناخت به عنوان «انسان بما هو انسان» بر تمامی کتب اخلاقی وی سایه افکنده است.

نکته پنجم اینکه تقسیمات علوم در یونان باستان مانند ماده، صورت، نوع، جنس و غیره بر همه مباحث ارسطو مسلطه دارد. به عنوان نمونه دوگانه‌سازی میان ماده و صورت را برای جامعه سیاسی خود نیز بکار برده و دولت یا جامعه سیاسی را صورتی می‌داند که بر ماده جامعه پوشانده می‌شود.

نکته ششم اینکه مفهوم کلمه شهروند در نظر ارسطو همه ساکنان شهر را دربر

1. Parekh, Bhikhu (2000). *Rethinking Multiculturalism: Cultural Diversity and Political Theory*, Harvard University press, UK, p: 19.

۲. هالbfass می‌گوید که یونانیان مخالف فراگیری زبان خارجی بودند و حتی در آثار کاملاً علمی کلمات خارجی یا به قول خودشان بربر را با عبارات زبان خودشان جایگزین می‌کردند. حتی نام‌های خارجی خدایان را به نام‌های یونانی تغییر می‌دادند. انگار که همه خارجی‌ان خدایان یونانی را پرستش می‌کنند و فقط نام‌های متفاوت استفاده و با الفبای متفاوتی می‌نویسند.

Halbfass, W. (1990). *India and Europe: An Essay in Philosophical Understanding*, Delhi, Motilal Banarsidass. P: 14

نمی‌گیرد و منظور وی از آن تنها کسانی هستند که حق احراز مناصب و حق دادرسی را داشته باشند<sup>۱</sup> مثلاً زنان و بردگان و اسیران شهروند محسوب نمی‌شوند.

کتاب شامل سه فصل است. در فصل اول کتاب به نظرات ارسطو در باب شروط لازم و کافی برای پیدایش نظام سیاسی پرداخته و سعی کردم نظر ارسطو در باره وابستگی غایت، بهروزی یا سعادت فردی به نهادهای شدن فضایل اخلاقی در شهروند را توضیح بدهم. همچنین تبیین کرده‌ام که چگونه ارسطو کسب فضایل اخلاقی را به تمرین و تکرار عملکرد متناسب در وظایف و تکالیف شهروندی مرتبط می‌داند و اینکه به گمان او در نهایت تعادل و ثبات درونی که از این رهگذر حاصل می‌شود همان غایت انسان و نهایت بهروزی است. به عبارت بهتر شهروند ارسطو با تمرین تشخیص حد وسط در همه امور نسبت به خودش قادر می‌شود رفتاری متناسب از خود در برابر همه رخدادها بروز بدهد. در پایان این بخش نشان داده‌ام که ارسطو خانواده را موضوع تعادل و عدالت قرار داده است. شاید دوستی موجود در پیوند خانوادگی را برای پایداری و ثبات خانواده کافی دانسته ولی بهرحال مرد خانواده را در تشخیص تناسب محق می‌داند.

در فصل دوم این نوشتار توضیح داده‌ام که به نظر ارسطو همانگونه که ماحصل نهادهای کردن فضایل، تعادل یا عادل شدن فرد است، هدف و غایت نظام سیاسی هم رسیدن به وضعیت عادل، تعادل و ثبات است. از اینرو سازوکار کلیدی کشف تناسب که شهروند را به تعادل درونی و ثبات می‌رساند، را برای نظام سیاسی هم بکار می‌گیرد تا به نظامی عادل تبدیل شود. باید دانست که منظور ارسطو از واژه مساوی درباره انسان‌ها اشاره به نوعی همطرزی است که با معنای ریاضی آن متفاوت است.

بنابراین وابستگی بهروزی نظام سیاسی به وحدت حاصل از رضایت

۱. ارسطو (۳۵۰ قبل از میلاد)، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران: کتاب‌های جیبی، ۱۳۶۴ ص ۱۰۱ و ۱۰۲.



عمومی مبتنی بر تناسب درباره نحوه توزیع ارزش‌های اجتماعی اعم از رفاهی، قدرتی و میان گروهی را مورد بررسی قرار داده‌ام. به عبارت بهتر توضیح داده‌ام که چون جمعیت شهروندان ارسطو باید مانند یک فرد واحد عمل کنند، می‌بایستی از نحوه توزیع نتایج حاصل از همکاری اجتماعی نسبت به خود رضایت داشته و تناسب جاری را بپذیرند. چنین توزیع تناسبی از ارزش‌های اجتماعی، مایه وحدت و تعادل در مقابل احساس محرومیت نسبی به عنوان عامل فروپاشی است. در ادامه، تحلیل ارسطو از رابطه دوستی میان همشهریان به عنوان سازوکار همگرایی اجتماعی یا وحدت (مانند یک فرد واحد) و رابطه قانونی میان شهروندان به عنوان سازوکار مکمل همگرایی و وحدت را توضیح می‌دهم. با مساعدت از عوامل تزلزل و فروپاشی که ارسطو برای انقلاب‌ها ذکر می‌کند به ذهنیت ارسطو درباره ماهیت عدالت نزدیک می‌شوم و نشان می‌دهم که عدالت سازوکاری پویا و مکمل دوستی برای توزیع متناسب ارزش‌های اجتماعی سه‌گانه بوده که تعادل و ثبات نظام سیاسی را به ارمغان می‌آورد.

در فصل سوم به نمونه‌هایی از نظام‌های عادل از نظر ارسطو پرداخته تا خصوصیت پویایی مورد نظر ارسطو در معیارهای عدالت را نشان بدهم زیرا او با سازوکار عدالت برای کنترل منابع تغییر و ابقای ثبات در جامعه تلاش فراوانی کرده است. در ادامه این فصل نشان می‌دهم که ارسطو عدالت را وضعیتی می‌دیده است که نیاز داریم به نگهداری و موازنه دارد. در پایان این فصل به رده‌بندی سطوح عدالت پویا و مصادیق آن از دیدگاه ارسطو می‌پردازم.

در این نوشتار عبارت نظام سیاسی، جامعه سیاسی، دولت و حکومت به صورت مترادف بکار رفته است و واژه فارسی بهروزی را گاه به‌گاه مترادف با واژه عربی سعادت که در ترجمه آثار ارسطو بکار می‌رود برگزیده‌ام تا بر تعریف این دنیایی آن تکیه کرده باشم. دیگر اینکه منظور از کلمه «ارزش‌ها» در این

متن به معنای «ارزش‌های اجتماعی» اعم از قدرتی، رفاهی و میان‌گروهی است که گاهی برای اختصار از آن استفاده کرده‌ام و به مفهوم ارزش‌های دینی و غیره نیست. همچنین ارسطو از واژه خیر به عناوین مختلف استفاده کرده است که برای تقریب به ذهن بنا به تناسب جمله از واژه‌های معادل غایت، تناسب، هدف، میثاق جمعی، سود و مزایا و فرصت‌های مادی و معنوی استفاده شده است.

سادات مادرشاهی

زمستان ۱۴۰۰

www.ketab.ir